

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره ۵۰، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۱ - ۳۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۷

(مقاله پژوهشی)

تحلیل سبکی داستان شیخ صنعان، براساس رویکرد نقش‌گرا

دکتر خدیجه بهرامی رهنما<sup>۱</sup>



### چکیده

یکی از دیدگاه‌های شاخص در علم زبان‌شناسی، نگرش سیستمی - نقش‌گرا است که در آن زبان، ابزاری اجتماعی برای انتقال معناست. هلیدی، برجسته‌ترین نظریه‌پرداز رویکرد نقش‌گراست. او، در مورد نقش، دو مفهوم نقش‌های دستوری و زبانی را برای تحلیل یک بند در نظر می‌گیرد که دارای سه لایه معنایی مجزاً (اندیشگانی، متنی و بینافردی)، اما مرتبط است که آن‌ها را فرانش دارای نامیده است که با استفاده از آن می‌توان، متون ادبی مختلف از جمله؛ منطق‌الطیر را مورد تحلیل قرار داد. از میان داستان‌های مختلف منطق‌الطیر، داستان شیخ صنعان، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی مسأله انواع فرایندها، انسجام ساختاری، غیر ساختاری و کارکرد بینافردی را در داستان شیخ صنعان مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در فرانش اندیشگانی، فرایند مادی، بیش از دیگر فرایندها در داستان به کار رفته است که مبین کنش‌های عینی و محسوس به کار رفته در داستان است. در فرانش متنی - ساختاری، آغازگر ساده، بسامد بیشتری نسبت به آغازگرهای مرکب دارد و نیز، اغلب بندها، دارای آغازگر بی‌نشان هستند. در انسجام دستوری، ادات ربط، در انسجام واژگانی - یازایی، مؤلفه تکرار و در انسجام واژگانی - باهم‌آیی، باهم‌آیی متداعی بیشتری بسامد را در این داستان دارا هستند. در فرانش بینافردی، وجه خبری، بسامد بیشتری نسبت به دیگر انواع وجه دارد و نیز اغلب بندها، دارای قطبیت مثبت هستند.

کلیدواژه‌ها: هلیدی، شیخ صنعان، فرانش اندیشگانی، فرانش متنی، فرانش بینافردی.

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

در نیمه دوم قرن ۲۰م. رویکرد نقش‌گرایی در زبان‌شناسی شکل یافت که در آن رویکرد، زبان را امری اجتماعی، برای انتقال معنا و ارتباط میان افراد در یک جامعه تلقی کرده‌اند که از بنیانگذاران آن می‌توان، به «مایکل هلیدی» اشاره کرد. هلیدی در دستور نقش‌گرایی نظام‌مند خویش، علاوه بر قبول اصول ساخت‌گرایی، به وجود ساختی بزرگتر از ساخت جمله که ساخت متن است، توجه داشت. هر متن، به مثابه یک زبان است که متشکل از مضامین مختلف، معنا و بافت موقعیتی است که به‌وسیله واژه‌ها و بندها در متن کد‌گذاری گشته‌اند و از رهگذر آن می‌توان، به انسجام و پیوستگی یک متن دست یافت. هلیدی برای هر واحد متنی، سه فراکارکرد اندیشگانی، متنی و بینافردی قایل است که با به‌کارگیری آن‌ها، می‌توان به تبیین پدیده‌های زبانی و نقش آن‌ها در هر متنی پرداخت. در فرانقش اندیشگانی، تأکید هلیدی بر درک اندیشه‌ها و تجربه‌های درونی و بیرونی انسان، از حوادث و وقایع جهان هستی و پیرامون آن است. در فرانقش متنی، یک رابطه دو سویه میان بافت زبانی و موقعیتی کلامی وجود دارد که درنهایت، منجر به شکل‌گیری یک پیام می‌گردد. هلیدی، در فرانقش بینافردی بر ارتباط زبانی و تعامل دوسویه، در جهت ایجاد روابط اجتماعی تأکید فراوان دارد.

جستار حاضر، داستان شیخ صنعان را که طولانی‌ترین داستان منطق‌الطیر عطار است، با رویکرد نقش‌گرایی مورد تحلیل قرار داده و به تبیین آرای هلیدی در این داستان پرداخته است. تحقیق حاضر از آن جهت اهمیت دارد که علاوه بر، بررسی فرانقش اندیشگانی و آغازگرهای متنی، به بررسی انسجام، پیوستگی و وجهیت در این داستان پرداخته است. این‌گونه تحلیل‌ها، می‌تواند به ارتقای کمی و کیفی متون بینجامد و نتایج آن، سبب‌ساز درک و یادگیری بهتر مخاطبان منطق‌الطیر گردد.

## پیشینه تحقیق

از پیش‌گامان نقش‌گرایی می‌توان به فرث (Firth)، ریچاردز (Richards)، لیچ (Leech)، تامپسون (Thompson)، هریس (Harris)، هاپر (Hopper)، نونن (Nunan)، هلیدی (Halliday) و حسن (Hassan) اشاره کرد که با رویکرد زبان‌شناسی، به بررسی متون

مختلف پرداخته و رستاخیزی در مطالعات بین رشته‌ای ایجاد کرده‌اند. هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳) در کتاب «زبان، بافت و متن»، ترجمه محسن نوبخت، به بررسی انواع فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی پرداخته‌اند. مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳) در کتاب «به‌سوی زبان‌شناسی شعر»، آرای هلیدی و حسن را با ذکر شاهد مثال‌هایی در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. تاکنون مقاله‌های بسیاری در این زمینه، به رشته تحریر درآمده است که از میان آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شیبانی اقدم، اشرف و همکاران (۱۳۹۵) «جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیه‌ها و حدیث‌ها در دفتر اول مثنوی با تأکید بر نظام گذرایی». نتایج تحقیق نشان از آن دارد که هسته اصلی و مرکز فرایندهای به کار رفته در آیه‌ها و حدیث‌ها، از نوع رابطه‌ای است. کاطمی، فروغ و افراشی، آزیتا (۱۳۹۲) «بررسی انواع آغازگرها در متون تخصصی فیزیک فارسی و انگلیسی از منظر فرانش متنی، نظریه نقش‌گرای هلیدی». نتایج پژوهش بیانگر آن است که میزان وقوع آغازگر ساده در کل پیکره، بیش از آغازگر مرکب است و آغازگر بی‌نشان، بیش از آغازگر نشان‌دار است. اعلائی، مریم و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از منظر فرانش بینافردی». نتیجه بدست آمده نشانگر آن است که نویسندگان با استفاده از جمله‌های خبری در بسامد بالا، فقط به ارایه اطلاعات پرداخته و این امر موجب می‌شود، تعامل دو سویه رخ ندهد و نویسندگان به هدف خود دست نیابد.

با بررسی‌های انجام شده، موضوعی منطبق با تحقیق حاضر یافت نشد.

### روش تحقیق

این جستار، با روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات، به‌صورت کتابخانه‌ای داستان شیخ صنعان را براساس نظریه هلیدی مورد تحلیل قرار داده است. روش تحلیل داده‌ها، کیفی و تا حدی کمی و روش استدلال، استقرایی (از جزء به کل) است. منبع تحقیق، منطق الطیر عطار، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی از انتشارات سخن است. مطالعه موردی، داستان شیخ صنعان است. در فرانش اندیشگانی، تمامی فعل‌ها استخراج، سپس نوع فرایندهای به‌کار رفته، درصد وقوع و بسامد هر یک تعیین گردید. فرایندی که

بیشترین بسامد را در این داستان داراست، به عنوان مشخصه سبکی عطار در نظر گرفته شد. در فرانش متنی، هر بند مورد بررسی انواع آغازگرها و پایان بخش قرار گرفت و توزیع فراوانی هر یک به دست آمد. در بخش انسجام نیز با توجه به الگوی هلیدی، ابزارها و عناصر انسجام متنی استخراج گردید و میزان بسامد آن مورد بررسی قرار گرفت. در بخش بینافردی، به بررسی زمان فعل‌ها، قطبیت، انواع وجه و درصد بسامد هر یک پرداخته‌ایم.

### مبانی تحقیق

#### فرانش اندیشگانی (ideational metafunction)

فرانش اندیشگانی، به بررسی توصیف حالات و حوادث گوناگون دنیای درون و بیرون شخص می‌پردازد. این فرانش، «تنها روی محتوای گزاره‌ای بند متمرکز است و آن لایه‌ای از معنا را که آشناترین جلوه معنا و در مطالعات زبانی بیشتر مورد توجه است، بررسی می‌کند» (Thompson, 2004: 86). هلیدی، سه فرایند اصلی (مادی، ذهنی و رابطه‌ای) و سه فرایند فرعی (رفتاری، کلامی و وجودی) را در تحلیل بندهای یک اثر ادبی در نظر می‌گیرد که در زیر به بررسی هریک از آنها پرداخته‌ایم.

#### ۱. فرایند مادی (material process)

این فرایند، بیان‌گر تجربه‌ها و رخدادهای جهان بیرون است و به «هرگونه اعمال فیزیکی که بر انجام دادن کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت داشته باشد، اطلاق می‌گردد. فعل‌هایی چون؛ رفتن، ساختن، آمدن، نوشتن و... از این نوع فرایند به شمار رفته‌اند» (Halliday & Mattiessen, 2004: 179-200).

#### ۲. فرایند ذهنی (mental process)

این فرایند، بیانگر رخدادهای درون ذهن و حالت‌های درونی است و نیز درباره «افکار، احساسات و ادراکات است» (Eggs, 2007: 225).

#### ۳. فرایند رابطه‌ای (relational process)

این فرایند، همچون پلی است که دنیای درون را به دنیای بیرون متصل می‌سازد. فرایند رابطه‌ای، «بر چگونه بودن چیزی یا کسی دلالت دارد. این فرایند، شامل فعل‌هایی چون: بودن، شدن، گشتن و... است. در این فرایند، میان دو مفهوم رابطه برقرار می‌شود و مسأله

اصلی، بیان وضعیّت و مالکیت چیزی است» (Thompson, 2004: 101-102).

۴. فرایند کلامی (verbal process)

این فرایند، همان طور که از نامش پیداست، به کنش های مربوط به گفتن و فعل های کلامی اطلاق می گردد. «فرایندهای کلامی، حدّ فاصل میان فرایندهای مادی و ذهنی هستند. از آن جاکه عمل گفتن، خود نوعی کنش مادی و فیزیکی است، جزو فرایندهای مادی محسوب می گردد و از سویی، چون این نوع فرایندها، انعکاس عملکرد ذهن هستند، نوعی فرایند ذهنی نیز به شمار می آیند» (Bloor & Bloor, 1997: 122).

۵. فرایند وجودی (existential process)

این فرایند، حدّ واسط فرایندهای رابطه ای و مادی قرار می گیرد. فرایند وجودی، «درباره موجودیّت یا هستی پدیده ای (یا عدم آن) سخن می گوید. این فرایند از آن جهت که اتّفاق افتادن یا وجود داشتن چیزی را بیان می کند، شبیه به فرایند رابطه ای است» (Halliday, 2004: 142).

۶. فرایند رفتاری (behavioral process)

این فرایند، به رفتارهای فیزیولوژیکی انسان مانند: خندیدن، خوابیدن، نگرستن و... اختصاص دارد.

فرانقش متنی (textual metafunction)

فرانقش متنی، به بررسی ویژگی های متن و عناصر سازنده آن، می پردازد. هلیدی و حسن، دو بخش ساختاری و غیر ساختاری را برای فرانقش متنی قایل گشته اند که بخش غیر ساختاری، شامل انسجام متنی است.

فرانقش بینافردی (interpersonal metafunction)

فرانقش بینافردی، بر تبادل معنا در بندها تأکید فراوان دارد که در آن، بررسی زمان فعل ها، قطبیّت و وجه نقش بسزایی در عناصر تشکیل دهنده یک متن دارد.

بحث

فرانقش اندیشگانی

۱. فرایند مادی

فرایندهای مادی، پر بسامدترین فرایند به کار رفته در داستان شیخ صنعان است. فرایندهای مادی در این داستان، بیانگر کنش‌هایی است که به صورت عینی و ملموس رخ داده است. از میان ۶۸۳ فرایند به کار رفته در داستان، ۲۲۵ مورد فرایند مادی و ۳۳٪ از مجموع فرایندها را به خود اختصاص داده است. کنشگر اصلی، شیخ صنعان و کنشگر فرعی، دختر ترساست. فرایندهای مادی به کار رفته، بیانگر وقوع رخدادها و حادثه‌ها پیرامون شیخ صنعان است. فرایندهای مادی با فعل‌هایی مانند: آمدند، افتاد، می‌باید رفت، غارت کرد، خیز، جمع کن، سجد کن، بشکستم، رو، رفت، بسوزم، بستد، نوش کرد، بگریختند، می‌خرامید، چاک کرد، خاک کرد، برفشاند و... دیده می‌شوند.

چارصد مرد مرید معتبر پس روی کردند با او در سفر  
می‌شدند از کعبه تا اقصای روم طوف می‌کردند سر تا پای روم  
 (عطار، ۱۳۸۹: ب ۱۲۱۲-۱۲۱۱)

فعل‌های «پس روی کردند، می‌شدند و طوف می‌کردند»، فعل‌های کنشی هستند که بر عمل یا فعالیت عینی و ملموس دلالت دارند. کنشگران در این داستان، اغلب از امور جاندار هستند. عطار در این داستان، علاوه بر کنش‌های مربوط به شیخ صنعان و مریدان، به کنش‌های دختر ترسا، توجه ویژه‌ای داشته است و کنش‌های مربوط به معشوق را، در بسیاری از صحنه‌ها، با استفاده از فعل‌های مادی، به بهترین وجه ممکن به تصویر کشیده است. از آنجا که در فعل‌های مادی به کار رفته در داستان حرکت، خیزش و پویایی وجود دارد، عامل مهمی، در جذب مخاطب و عدم سکون و ایستایی در روایت داستان به‌شمار رفته است. فراوانی فرایندهای مادی، بیانگر تجربه‌های بیرونی شیخ صنعان است. او در تکمیل فرایند سلوک ناگزیر است که عازم سفر روم شود که این نشانگر «میل به تغییر درونی و نیاز به تجربه جدید است» (شوالیه و گبران، ج ۳، ۱۳۸۵: ذیل مدخل سفر). فعل‌های مادی که عطار در بافت داستان به کار برده است، بیانگر سیر آفاقی شیخ صنعان است که در نهایت، منجر به سیر انفسی او می‌گردد.

## ۲. فرایند ذهنی

از میان فرایندهای به کار رفته در این داستان، ۲۱۶ مورد فرایند ذهنی است که ۳۱٪ درصد

از مجموع فرایندها را به خود اختصاص داده است.

برنیامد، با خود و رسوا شد او می نترسید، از کسی ترساشد او

(عطار، ۱۳۸۹: ب ۱۳۸۴)

می ندانست او که در صحرا و دشت از کدامین سوی می باید گذشت

(همان: ب ۱۵۶۳)

فعل‌هایی چون؛ «نترسیدن و ندانستن»، از آن‌جا که با اندیشه و دریافت شخصیت‌های داستان در ارتباط هستند، فرایندهای ذهنی، به‌شمار رفته و واکنش انفعالی را، در جهان درون ذهن پدید آورده‌اند.

هلیدی، فرایندهای ذهنی را از نظر معنایی به چهار دسته «ادراکی، ذهنی-شناختی، ذهنی-درخواستی و ذهنی-عاطفی» (Halliday, 2004: 170) تقسیم کرده است. با بررسی‌های انجام شده، می‌توان این تقسیم‌بندی را در این داستان مشاهده کرد که در زیر به آن‌ها اشاره کرده‌ایم:

- ادراکی. مانند: دیدن و شنیدن که این دو فعل، بسامد فراوانی در این داستان داشته است.

- ذهنی-شناختی. مانند: دانستن، چشم داشتن و خواستن.

- ذهنی-درخواستی. مانند: پسندیدن، تأثیر کردن و پذیرفتن.

- ذهنی-عاطفی. مانند: ترسیدن، رسوا شدن و ظن بردن.

۳. فرایند رابطه‌ای

فرایند رابطه‌ای، سومین فرایند پر بسامد در این داستان است که ۱۰۳ مرتبه بسامد داشته و ۱۵٪ از مجموع کل فرایندها را به خود اختصاص داده است. فرایند رابطه‌ای را به سه شاخه فرعی «تأکیدی، ملکی و پیرامونی» (تولان، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۱) تقسیم کرده‌اند. «فرایندهای رابطه‌ای-تأکیدی: فرایندهایی هستند که در آن‌ها، یک فعل پیوندی، رابطه‌ای میان دو عنصر شرکت‌کننده برقرار می‌کند که این رابطه، از نوع قیدی یا مالکیت نیست. بنابراین، هر فرایند رابطه‌ای که موقعیتی یا ملکی نباشد، تأکیدی است. مانند: سکوت، نشانه رضاست. در فرایندهای موقعیتی، موقعیت و جایگاه شرکت‌کننده از نظر زمان، مکان، حالت

و... بیان می‌شود. مانند: اتاق رییس، در طبقه آخر است و وقت ملاقات فرداست» (محمّدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱). در فرایند رابطه‌ای-ملکی، مالکیت چیزی مدنظر است. با بررسی‌های انجام شده، می‌توان هر سه نوع فرایند رابطه‌ای را در داستان شیخ صنعان مشاهده کرد که از میان این سه نوع، فرایند رابطه‌ای-تأکیدی، بسامد بیشتری در این داستان داشته است که در زیر به سه شاهد مثال بسنده کرده‌ایم.

#### رابطه‌ای-تأکیدی

چون بنای وصل تو بر اصل بود  
هرچه کردم بر امید وصل بود  
(عطار، ۱۳۸۹: ب ۱۴۰۹)

#### رابطه‌ای- موقعیتی

یارب این چندین علامت امشب است  
یا مگر روز قیامت امشب است  
(همان: ب ۱۲۳۱)

#### رابطه‌ای-ملکی

گوهری خورشید فش در موی داشت  
برقعی شعر سپید بر روی داشت  
(همان: ب ۱۲۳۱)

شاعر با استفاده از فرایندهای رابطه‌ای چون؛ «بود، است و داشت»، درصدد بوده است که میان پدیده‌ها ارتباط برقرار کند و این فعل‌های ربطی را به حامل یا دارنده نسبت دهد و با استفاده از تمام امکانات زبانی، بر جنبه توصیفی متن بیفزاید.

#### ۴. فرایند کلامی

گفت‌وگو، مهم‌ترین رکن ارتباطات انسانی است و عطار با استفاده از این عنصر، درصدد تحکیم روابط اجتماعی و تعامل ارتباطی میان شخصیت‌های مختلف داستان بوده است. فرایندهای کلامی، ۱۳٪ از کل فرایندها را به خود اختصاص داده و ۸۶ مرتبه در این داستان بسامد داشته است. این فرایند با فعل‌هایی چون؛ گفتن، نعره زدن، اعلام کردن، پرسیدن و... دیده می‌شوند.

باز پرسید از مریدان حال شیخ  
باز گفتندش همه احوال شیخ  
(همان: ب ۱۴۶۶)



شیخ گفت: ای سرو قد سیم بر عهد نیکو می بری الحق به سر

(همان: ب ۱۳۱۵)

فعل های «پرسیدن و گفتن»، در ایجاد فضای مناظره و گفت و گو میان شخصیت ها موثر واقع گشته است و متن را، از گفتمان یک طرفه خارج ساخته و بر پویایی آن افزوده است.

۵. فرایند وجودی (existential process)

این فرایند، حدّ واسط فرایندهای رابطه ای و مادی قرار می گیرد. فرایند وجودی، «درباره موجودیت یا هستی پدیده ای (یا عدم آن) سخن می گوید. این فرایند از آن جهت که اتفاق افتادن یا وجود داشتن چیزی را بیان می کند، شبیه به فرایند رابطه ای است» (Halliday, 2004: 142).

این فرایند، ۳۳ مرتبه در این داستان بسامد داشته است که ۵٪ درصد از مجموع کل فرایندها را به خود اختصاص داده است.

ذره ای عقلش نماند و هوش هم درکشید، آن جایگه خاموش دم

(همان: ب ۱۳۶۱)

در نهاد هر کسی صد خوک هست خوک باید سوخت یا زَنار بست

(همان: ب ۱۳۲۹)

۶. فرایند رفتاری

فرایند رفتاری، کم بسامدترین فرایند به کار رفته در این داستان و ۲۳ مرتبه بسامد داشته است. این فرایند، با فعل هایی نظیر؛ اشک ریختن، گریستن، زاری کردن، نظر کردن، تبسم کردن، نالیدن، خروشیدن ... مشاهده می شوند. این فرایند، ۳٪ از مجموع کل فرایندها را به خود اختصاص داده است.

عاجز و سرگشته می نالید، خوش روی خود در خاک می مالید، خوش

(همان: ب ۱۵۶۴)

می خرامید و تبسم می نمود هر که می دیدش درو گم می نمود

(همان: ب ۱۵۱۱)

نیازهای فیزیولوژیک، به رفتار انسان جهت می دهند و شخص را، وادار به پیروی از شیوه ای

خاص می‌کنند؛ عطار نیز، با استفاده از فرایندهای رفتاری، به بررسی حالات و روحیات مختلف شیخ صنعان و دختر ترسا پرداخته و مخاطب را در جریان انگیزه‌های مختلف روانی آنان قرار داده است.

### فرانقش متنی

هلیدی، در فرانقش متنی، دو بخش «ساختاری» و «غیر ساختاری» را برای تحلیل بندها در نظر می‌گیرد که هر یک به شاخه‌هایی تقسیم می‌گردد؛ در بخش ساختاری، بر ساخت «آغازگر- پایان‌بخش» و «بی‌نشان بودن و نشان‌دار بودن بندها» و در بخش غیر ساختاری نیز، بر «انسجام متن» تأکید فراوان دارد که در زیر به تحلیل هر یک از آنها پرداخته‌ایم.

### فرانقش متنی - ساختاری

#### آغازگر- پایان‌بخشی

هلیدی، ساخت «آغازگر-پایان‌بخش» یا «مبتدا - خبری» را برای تحلیل ساختار آغازین بندها در نظر گرفته است. «آغازگر، نقطه عزیمت پیام است و جز آن، هر آنچه از بند باقی می‌ماند، پایان‌بخش است، چراکه بند را با بیان مطلبی درباره آغازگر به پایان رسانده است» (Halliday & Matthiessen, 2004: 66). مانند: «شیخ، خلوت‌ساز کوی یار شد». شیخ، آغازگر و مابقی جمله، پایان بخش می‌باشد.

#### انواع آغازگرها

هلیدی، آغازگرهای متنی را به دو دسته «ساده» (simple theme) و مرکب (multiple theme) (ibid: 68) تقسیم کرده است. «اگر آغازگر فقط از یک عنصر ساختاری و یا یک واحد تشکیل شده باشد، از نوع ساده است. در این حالت، آغازگر، شامل یک سازه یا یک گروه (اسمی، قیدی و حرف اضافه‌ای) است» (ibid:68). مانند: «شیخ، چون اصحاب را از دور دید». شیخ، آغازگر ساده و مابقی جمله، پایان بخش به‌شمار رفته است. آغازگر مرکب شامل سه لایه معنایی تجربی، بینافردی و متنی است. بنابراین اولین ساخت از آغازگر مرکب را «آغازگر تجربی»، نامیده‌اند. اگر آغازگر، «فعل اصلی یا مشارک (participant) یا افزوده حاشیه‌ای (Circumstantial adjunct) باشد، در این صورت آغازگر تجربی است. در آغازگر مرکب، عناصر بینافردی و متنی، مقدّم بر عناصر تجربی هستند. عناصر بینافردی عبارتند از:

۱. آغازگر ندایی (vocative) که اغلب برای اسم‌های خاص و خطاب قرار دادن به کار می‌روند

۲. آغازگر وجه‌نما (modal adjunct) که بیانگر نظر و عقیده نویسنده یا شاعر است. واژه‌هایی از قبیل: احتمالاً، سرانجام، حالا، بی‌شک، صادقانه، شخصاً و... آغازگر وجه‌نما محسوب شده‌اند

۳. آغازگر زمان‌دار که شامل فعل‌های کمکی برگرفته از مصدرهای توانستن، بایستن، شدن و خواستن هستند.

عناصر متنی نیز به ۳ دسته تقسیم می‌گردد:

۱. آغازگر تداومی (continuative)، مفهوم تداوم را بیان می‌کند و در زبان فارسی، شامل واژه‌هایی مانند: بله، خب، آهان، اما و... می‌باشد.

۲. آغازگر ساختاری (conjunction) که همواره در آغاز بندها قرار می‌گیرند و میان بندها، پیوند برقرار می‌سازند. مانند: و، یا، اما، هنوز و...

۳. افزوده ربطی (conjunctive adjunct) یا همان نقش‌نمای گفتمان است که هدف از آن گروه‌های قیدی یا حرف اضافه‌ای هستند که هر بند را با بندهای پیشین مرتبط می‌کنند» (ibid:79-81).

با بررسی‌های انجام شده، ۷۴٪ درصد آغازگرها، ساده و ۲۶٪ درصد آن‌ها مرکب هستند؛ آغازگرهای ساده، ۶۶۳ بند و آغازگرهای مرکب شامل ۲۳۶ بند است. استفاده فراوان از آغازگرهای ساده، مبین آن است که عطار، برای درک و فهم بیشتر مخاطبان، عالی‌ترین مفاهیم عرفانی را در قالب واژه‌های ساده بیان کرده است که این امر، بیانگر سبک شخصی شاعر است. مانند: «شیخ صنعان، پیر عهد خویش بود». شیخ صنعان، آغازگر ساده و مابقی جمله، پایان‌بخش به‌شمار رفته است.

آغازگرهای مرکب به دو شکل ۱. متنی+تجربی ۲. بینافردی+تجربی در این متن به کار رفته است که شکل اول، بسامد قابل توجهی در داستان داشته و ۲۱۱ مرتبه در متن به کار رفته است. اغلب آغازگرهای متنی، از نوع «ساختاری» هستند که حرف ربط «و»، با ۷۵ مرتبه بیشترین بسامد را داراست که سهم بسزایی در پیوند بندها و انسجام متنی داشته است.

پس از حرف ربط «و»، چون (۳۶ مرتبه)، تا (۳۳ مرتبه)، و، اگر، گر، گرچه و ار (۳۰ مرتبه)، که (۱۹ مرتبه)، یا (۱۵ مرتبه) و لیک (۱ مرتبه) در متن به کار رفته است. آغازگر بینافردی، ۲۵ مرتبه در این متن به کار رفته است که افزوده و جهنما با ۱۰ مورد، بیش از دو آغازگر ندایی (۷ مرتبه) و آغازگر زمان‌دار (۸ مرتبه) به کار رفته است.

استفاده فراوان و درخور توجه آغازگر متنی نسبت به آغازگر بینافردی، مبین انسجام منطقی و پیوستگی میان بندها و نیز، چینش هنرمندانه واژه‌ها در کنار یکدیگر توسط شاعر بوده است که به متنیّت داستان کمک بسیاری کرده است. بسامد اندک آغازگر بینافردی، نشانگر آن است که شاعر درصدد اظهار نظر در مورد کیفیت و قطعیت داستان نبوده است، بلکه بیشتر در پی تبیین پیوندهای انسجामी میان گزاره‌های این متن بوده است.

پایان‌بخش	آغازگر		
	تجربی	بینافردی	متنی
قدوه اصحاب دید	خود را	----	گرچه
آن قصه بشنود از شگفت	میرد	----	چون
چون راه یافت	آن صنم	آخر الامر	----
امشب است	این چندین علامت	یا رب	----
چنین رسوا شود	آن چنان شیخی	----	و
در سرزنش گیرد کسی	مرا	----	گر

#### بندهای بی‌نشان (unmarked clause) و نشان‌دار (marked clause)

یکی دیگر از مواردی که هلیدی برای آغازگرهای متنی در نظر می‌گیرد، آغازگرهای «نشان‌دار و بی‌نشان» است. «در زبان علم، اصطلاح بی‌نشان در معنای متداول و رایج است که در برابر اصطلاح نشان‌دار، به معنای غیر مرسوم به کار رفته است. حالت بی‌نشان، ترتیب عناصر سازنده جمله‌های خبری در متون علمی زبان فارسی، فاعل (محذوف یا آشکار)+مفعول+فعل است. بنابراین در زبان فارسی، در جمله‌های خبری، هر گاه آغازگر جمله با فاعل دستوری یعنی نهاد منطبق باشد، بی‌نشان محسوب می‌شود، در غیراین صورت،

نشان دار است» (اعلایی، ۱۳۸۸: ۹۶).

بیکره تحقیق، شامل ۸۹۹ بند است که ۸۸۳ بند دارای آغازگر بی نشان است و ۱۶ بند، دارای آغازگر نشان دار است. بسامد بیشتر آغازگر بی نشان نسبت به آغازگر نشان دار مبین آن است که «فاعل (آشکار یا محذوف)، قبل از مفعول قرار گرفته و در آن، معیار زبان فارسی رعایت شده است» (همان: ۱۰۵).

پایان بخش	آغازگر بی نشان
خلوت ساز کوی یار شد چو برقع برگرفت	شیخ دختر ترسا

با بررسی های انجام شده، اغلب آغازگرهای نشان دار، از نوع نشان دارتر می باشند و فاعل بعد از فعل ذکر شده است. مانند:

پایان بخش	آغازگر نشان دار
ما را شیخ زود او که در صحرا و دشت	باز گردانید می ندانست

فرانقش متنی - غیر ساختاری

انسجام

بخش غیر ساختاری فرانقش متنی، شامل انسجام (cohesion) است. الگوی انسجام هلیدی را می توان، یکی از مهم ترین روش های علمی در شناخت دقیق پیوستگی یک متن به شمار آورد. «انسجام متن، آن روابط معنایی را شامل می شود که با آن ها، هر قطعه ای از گفتار یا نوشتار می تواند، به عنوان متن انجام وظیفه و عناصری از یک جمله را، به عناصر جمله های قبلی مرتبط کند و این ارتباط، از طریق روابط معنایی حاصل می گردد» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

نظریه انسجام، به دو قسمت انسجام واژگانی (بازآیی و باهم آیی) و دستوری تقسیم می گردد؛ انسجام واژگانی - بازآیی (reiteration) شامل: هم معنایی (synonymy)، تضاد معنایی (antonymy)، شمول معنایی (hyponymy)، رابطه جزء و کل (metonymy) و تکرار

(repetition) است. انسجام واژگانی-باهم‌آیی (collocation) شامل: هم‌نشینی و متداعی است. انسجام دستوری نیز شامل: حذف (ellipsis)، جای‌گزینی (substitution) و ادات ربط (conjunctions) است که به تبیین هریک از آنها در این داستان پرداخته‌ایم.

### انسجام واژگانی

انسجام واژگانی، بر پایه ارتباط معنا و متن شکل یافته است. «این نوع از انسجام، مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان، به لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارند و متن به واسطه این روابط می‌تواند، تداوم و انسجام به خود بگیرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۴).

### انسجام واژگانی-بازآیی

#### هم‌معنایی

هم‌معنایی، به یکسان بودن واژه‌ها، در معنی اطلاق می‌گردد که برای گسترش سخن، تأکید و تأیید موضوع به کار گرفته می‌شده و در این داستان، ۴٪ و ۱۷ مرتبه بسامد داشته است. نظیر «شرم و آزر» و «خمر و ام‌الخبایث» در بیت‌های زیر:

آن دگر گفتش که از حق شرم دار      حق تعالی را به حق آزر دار  
(عطار، ۱۳۸۹: ب ۱۳۰۲)

بس کسا کز خمر ترک دین کند      بی‌شکسی، ام‌الخبایث این کند  
(همان: ب ۱۴۰۰)

#### تضاد معنایی

این اصطلاح زمانی به کار برده می‌شود که «واژه‌هایی در تقابل با یکدیگر به کار روند» (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳۶). عطار در این داستان، از ۶۲ مورد تضاد معنایی استفاده کرده است. بیشترین تضاد به کار رفته به «روز و شب»، اختصاص دارد که ۱۴ مرتبه در این داستان بسامد داشته و تضاد معنایی، ۱۷٪ از مجموع انسجام بازآیی را به خود اختصاص داده است.

هر مریدی کان او بود، ای عجب      می‌نیاسود، از ریاضت روز و شب  
(همان: ب ۱۱۹۳)

وصل خواهم و آشنایی یافتن      چند سوزم در جدایی یافتن  
(همان: ب ۱۴۱۰)

### شمول معنایی

شمول معنایی به رابطه‌ای اطلاق می‌گردد که «میان یک طبقه عام و زیرطبقه‌های آن به-وجود می‌آید. مانند: رابطه‌ای که گربه‌سانان با شیر، ببر، پلنگ و گربه خانگی دارند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۵). شمول معنایی، ۳٪ و ۷ مرتبه در این داستان به کار رفته است. در بیت زیر، بحر، واژه شامل و موج، زیر شمول آن است.

بحر احسان چون درآید موج‌زن  
محو گرداند گناه مرد و زن  
(همان: ب ۱۵۲۱)

### رابطه جزء و کل

رابطه جزء و کل، یکی دیگر از عناصر انسجام متنی است که به «مناسبات میان برخی از واحدهای واژگانی که به لحاظ معنایی، جزیی از برخی دیگرند، اطلاق می‌گردد» (همان: ۶۵). این مولفه، ۵٪ و ۲۱ مرتبه در این داستان به کار رفته است.

چون می از ساغر به ناف او رسید  
دعوی او رفت و لاف او رسید  
(همان: ب ۱۳۶۸)

ای لب و زلفت زیان و سود من  
روی و کویت مقصد و بهبود من  
(همان: ب ۱۳۲۴)

### تکرار

مولفه تکرار، به کارگیری عناصری از جمله‌های پیشین در متن پسین است که سبب ایجاد شبکه‌ای از روابط، میان عناصر یک متن می‌گردد. «تکرار، اگر عیبی دارد، مربوط به زبان خبر است؛ چراکه، بنا بر اصل اقتصاد زبان، باید از اطناب که یکی از عوامل تکرار است، پرهیز شود. اما در زبان عاطفی، تکرار لازمه هنرآفرینی و خلاقیت هنرمندانه است» (خلیلی جهان-تیغ، ۱۳۸۰: ۳۰).

عنصر تکرار (۷۱٪ و ۲۴۶ مرتبه) در این داستان، به چهار شکل مختلف به کار رفته است: تکرار اسم (۳۸ مورد)، تکرار فعل (۵۸ مورد)، تکرار ضمیر (۴۵ مورد) و تکرار صفت (۵ مورد).

از میان این چهار قسم، تکرار فعل، بسامد بیشتری را به خود اختصاص داده است.

رفت عقل و رفت صبر و رفت یار / این چه عشق است این چه سود است این چه کار

(همان: ب ۱۲۷۴)

می‌روم زین خاکدان پر صداع / الوداع ای شیخ عالم الوداع

(همان: ب ۱۵۹۰)

### انسجام واژگانی - باهم‌آیی

نوع دیگر انسجام واژگانی، باهم‌آیی است. «آنچه امروزه با نام «باهم‌آیی» (Collocation) در معنی‌شناسی ساخت‌گرا مطرح می‌شود، برای نخستین بار از سوی پورتسیک (Porzig) مطرح شده و به عنوان نوعی بررسی هم‌زمانی در قالب نظریه حوزه‌های معنایی معرفی شده است» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۹۷) و منظور از آن، «باهم‌آیی یا به هم مربوط بودن عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط، میان جمله‌های آن متن می‌شود» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

### باهم‌آیی - هم‌نشینی

باهم‌آیی - هم‌نشینی، به بررسی تعیین میزان هم‌نشینی واژه‌ها در کنار یکدیگر می‌پردازد. بنابراین، «فعل یا صفتی، بر روی محور هم‌نشینی، در کنار اسمی ظاهر می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). باهم‌آیی - هم‌نشینی، ۷٪ و ۴ مرتبه در این داستان به کار رفته است. در بیت‌های زیر، واژه‌های «چل شبانروز، نه خور، نه خواب، نه نان، نه آب و تضرع کردن»، همگی متعلق به یک حوزه معنایی هستند؛ یعنی، به «اعتکاف و گوشه‌نشینی مریدان» اشاره دارند.

همچنان تا چل شبانروز تمام / سر نیچیدنند هیچ از یک مقام  
جمله را چل شب نه خور بود و نه خواب / همچو شب چل روز نه نان و نه آب  
از تضرع کردن آن قوم پاک / در فلک افتاد جوشی صعبناک

(عطار، ۱۳۸۹: ب ۱۵۰۵-۱۵۰۳)

در بیت زیر، واژه‌های «کافور و کفن»، متعلق به یک حوزه معنایی یعنی «مردن» هستند.

دخترش گفت: ای خرف از روزگار / ساز کافور و کفن کن شرم دار

(همان: ب ۱۲۴۳)



## باهم آیی متداعی

به قرار گرفتن زنجیره‌ای از واژه‌ها که سبب تشکیل یک سازه معنایی می‌گردد و نیز، «بر حسب ویژگی‌ای که آن‌ها را در یک حوزه معنایی قرار می‌دهد، اطلاق می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۹۸). کاربرد واژه‌هایی نظیر «ابر، باد، ماه، خورشید یا سیب، پرتقال، خیار، نارنگی و... در کنار هم در قالب باهم آیی متداعی امکان طرح خواهد یافت. در سنت بررسی صناعات ادبی، کاربرد واژه‌هایی که در باهم آیی متداعی با یکدیگرند، «مراعات النظیر»، نامیده می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۰). باهم آیی متداعی، ۹۳٪ و ۵۰ مرتبه در این داستان به کار رفته است. در بیت‌های زیر، واژه‌های «صلوه و صوم» و «چشم، ابرو و طاق» با یکدیگر تناسب دارند.

خود صلوه و صوم بی حد داشت او / هیچ سنت را فرو نگذاشت او

(عطارد، ۱۳۸۹: ب ۱۱۹۶)

هر دو چشمش فتنه عشاق بود / هر دو ابرویش به خوبی طاق بود

(همان: ب ۱۲۲۰)

## انسجام دستوری

### حذف

حذف، عدم ذکر هر یک از اجزا با توجه به قرینه عناصر قبلی در سازه‌های کلامی یک متن است که میان عناصر، رابطه معنایی برقرار نمی‌کند، بلکه رابطه دستوری را در متن بنیاد می‌سازد. اغلب حذف‌ها در این داستان، از نوع حذف فعلی هستند.

حذف، ۱۰٪ و ۴۱ مرتبه در این داستان کاربرد داشته است. مانند: حذف فعل «بود»، از

مصرع اول بیت زیر:

یک دمش نه خواب بود و نه قرار / می‌تپید از عشق و می‌نالید زار

(همان: ب ۱۲۵۱)

حذف فعل «بینی»، از مصرع دوم بیت زیر:

گر قدم در ره نهی چون مرد کار / هم بت و هم خوک بینی صد هزار

(همان: ب ۱۴۳۳)

## جای‌گزینی

جای‌گزینی، به عملکرد یکی از عناصر متن اشاره دارد و آن عبارت است از «قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر است و به جای تکرار یک صورت خاص در متن، اعم از کلمه یا عبارت، از کلمه یا عبارت دیگری استفاده شود» (Halliday & Hassan, 1976: 88). مؤلفه جای‌گزینی، ۸٪ و ۳۰ مرتبه در این متن به کار رفته و در مصرع دوم، ضمیر «او»، جای‌گزین «آن دلدار»، در مصرع اول شده است:

هر که دل در زلف آن دلدار بست  
از خیال زلف او زنار بست  
(عطار، ۱۳۸۹: ب۱۲۱۷)

در مصرع اول، «تر دامنان»، جای‌گزین «مریدان» گشته است:

با مریدان گفت: ای تر دامنان  
در وفاداری نه مردان نه زنان  
(همان: ب۱۴۷۴)

## ادات ربط

ادات ربط، یکی از ابزارهای مهم در ایجاد انسجام و پیوستگی در متن است و هیچ متنی را نمی‌توان یافت که در آن ادات ربط به کار نرفته باشد. «ادات ربط، با توجه به معنی خاصشان، وسیله‌ای هستند، برای رسیدن به متن بعدی و معنای خاصی را بیان می‌کنند که حضور عناصر و یا عبارت‌های دیگری را در متن پیش‌بینی می‌کند. به وسیله ادات ربط، سازه‌ها را در درون متن می‌توان حدس زد و به انسجام متن پی برد. هلیدی، آن‌ها را از لحاظ معنا، به «افزایشی، علی و زمانی» تقسیم کرده است» (Halliday & Hassan, 1976: 226). برخی دیگر از محققان نیز، علاوه بر تقسیم‌بندی هلیدی برای ادات ربط، مواردی چون: «نقیضی، شرطی، توضیحی و امتیازی را برای ادات ربط در نظر گرفته‌اند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۵۹). ادات ربط، ۸۲٪ و ۳۲۱ مرتبه در این داستان به کار رفته است که در زیر به انواع آن اشاره کرده‌ایم:

۱. افزایشی. مانند: حرف ربط «واو» است که ۱۱۸ مرتبه در این داستان بسامد داشته است.
۲. علی. مانند: لیک (۱مرتبه)، از بهر (۲مرتبه) و چون در معنی زیرا (۲۲مرتبه) ۳. زمانی. مانند: تا (۴۱ مرتبه)، چون (۱۷ مرتبه)، آخر (۲مرتبه) و آخر الامر (۲مرتبه) ۴. نقیضی. مانند:

اما (۱ مرتبه) ۵. شرطی. مانند: گر و اگر (۲۸ مرتبه) و ور (۲ مرتبه) ۶. توضیحی. مانند: فی الجمله (۱ مرتبه) ۷. امتیازی. مانند: ارچه (۱ مرتبه) و گرچه (۳ مرتبه).

نوع دیگری از ادات ربط، در داستان شیخ صنعان به کار رفته است که به صورت «مزدوج»، در بندها ظاهر گشته است. مانند: هم - هم (۳ مرتبه)، نه - نه (۲ مرتبه)، چه - چه (۱ مرتبه)، گه - گه (۲ مرتبه) و گاه - گاه (۱ مرتبه).

هم کلاه گبرکی انداخته هم ز ترسایی دلش پرداخته

(همان: ب ۱۵۲۷)

عاشقی را چه جوان چه پیر مرد عشق بر هر دل که زد تأثیر کرد

(همان: ب ۱۳۸۴)

### کارکرد بینافردی

#### زمان فعل‌ها

با بررسی‌های انجام شده، زمان اغلب فعل‌های به کار رفته در داستان، فعل «گذشته» است که این، بر وقوع امری دلالت دارد که اتفاق افتاده و پایان یافته است. بسامد انواع فعل‌های به کار رفته در داستان را در جدول زیر آرایه کرده‌ایم:

نام داستان	گذشته	حال	آینده	فعل دعایی	مجموع
شیخ صنعان	۶۸۳	۱۳	۲	۳	۷۰۱

#### قطبیت

قطبیت به این معناست که «یک گزاره از چه میزان اعتبار مثبت یا منفی برخوردار است» (Thompson, 2004: 45). اغلب بندها در داستان شیخ صنعان، دارای قطبیت مثبت بوده و فقط ۶۲ بند دارای قطبیت منفی است که این امر، بیانگر میزان پای بندگی و قاطعیت شاعر در بیان حقیقت گزاره‌هاست.

#### وجه

وجه، یکی از مقوله‌های نحوی-معنایی است که میزان قاطعیت گوینده را در یک گزاره نشان می‌دهد. «وجه، ابزاری است که مردم با آن درجه تعهد و التزام و سرسپردگی خود را،

نسبت به حقیقت گزاره‌هایی که می‌گویند، بیان می‌کنند. عنصر وجه، به طرز نگرش آن‌ها درباره تمنا و آرزوی یک حالت از امور اشاره دارد» (Fowler, 1986: 131). در زبان فارسی، وجه دارای ۴ قسم است: ۱. اخباری ۲. پرسشی ۳. عاطفی ۴. امری» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۱۱۳).  
 پر بسامدترین وجه به‌کار رفته در داستان شیخ صنعان، «وجه خبری» است که بیان‌گر قطعیت گزاره‌ها در این متن و ۶۳۲ بند، دارای وجه خبری است. پس از وجه خبری، وجه امری با ۷۰ مورد، بیشترین بسامد به‌کار رفته در داستان است. اغلب فعل‌های امری، از سوی دختر ترسا و مریدان در تقابل با شیخ صنعان به‌کار رفته است که نشانگر، اقتدار آنان و عجز و ناتوانی شیخ است.

چون نداری تو سر خود گیر و رو      نفقه‌ای بستان ز من ای پیر و رو  
 (عطارد، ۱۳۸۹: ب ۱۴۱۳)

وجه عاطفی، بر آرزو، شرط، دعا و تردید دلالت دارد و ۳۷ مرتبه در این داستان به‌کار رفته است. مانند:

دخترش گفت: این زمان مرد منی      خواب خوش بادت که در خورد منی  
 (همان: ب ۱۳۹۰)

وجه پرسشی در این داستان، دارای ۳۱ بند است. پر بسامدترین قیدهای پرسشی به‌کار رفته، در این داستان عبارتند از: کی، کو، کجا، چه و چون (در معنی چگونه). اغلب، سوال‌های مطرح شده، کنش کلامی مستقیمی را دربر ندارد و نیز، در پی پاسخ‌گویی به امری نیست. مانند:

آفتابی، از تو دوری چون کنم؟      سایه‌ام، بی تو صبوری چون کنم؟  
 (همان: ب ۱۳۳۷)

### نتیجه‌گیری

یکی از نظریه‌های رایج در علم زبان‌شناسی، رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی است که به‌وسیله آن، می‌توان به سبک خاص و دنیای درون و بیرون ذهن شاعر یا نویسنده دست یافت. براساس آرای هلیدی، جنبه‌های مختلف تجربه داستان از طریق سه فرانش یافت. براساس آرای هلیدی، جنبه‌های مختلف تجربه داستان از طریق سه فرانش اندیشگانی، متنی و بینافردی شکل یافته است که موازی یکدیگر در یک پیام هستند و به

این طریق، می‌تواند، باز نمود زبانی بیابد. بنابراین، با بهره‌گیری از آرای هلیدی، می‌توان متون ادبی را مورد بررسی قرار داد و به نتایج نو و بدیعی دست یافت. از این روی، پژوهش حاضر به بررسی رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در داستان شیخ صنعان پرداخته است. با بررسی‌های انجام شده، فرایند مادی با ۲۲۵ مورد، بیشترین بسامد و فرایند رفتاری، با ۲۳ مورد، کمترین بسامد را در این داستان دارا هستند که آن را می‌توان، مشخصه سبکی عطار به‌شمار آورد. استفاده فراوان از فرایند مادی، بیانگر نگرش ارتباط شخصیت‌های داستان با جهان بیرون و کنش‌پذیری است که هلیدی بر آن تأکید دارد. انواع فرایندهای به‌کار رفته در داستان شیخ صنعان، به ترتیب از بیشترین-کمترین بسامد عبارتند از: مادی (۲۲۵ مرتبه)، ذهنی (۲۱۶ مرتبه)، رابطه‌ای (۱۰۳ مرتبه)، کلامی (۸۶ مرتبه)، وجودی (۳۳ مرتبه) و رفتاری (۲۳ مرتبه).

در فرانش متنی - انسجامی، آغازگرهای ساده، بسامد فراوانی نسبت به آغازگرهای مرکب دارند. غالب بودن آغازگرهای ساده، نشان از آن دارد که شاعر، در پی دشوارگویی و به تکلف افکندن مخاطبان نیست، بلکه درصدد بوده است که مفاهیم و مضامین مدنظر خویش را، در قالب واژه‌های ساده و در جهت درک و فهم آنان بیان کند. در میان آغازگرهای مرکب، آغازگر متنی بیشترین بسامد را، نسبت به آغازگر بینافردی دارا هستند. اغلب آغازگرهای متنی، از نوع ساختاری هستند که سهم بسزایی، در پیوند بندها و انسجام متنی دارند. آغازگرهای بی‌نشان، بیشترین بسامد را دارا هستند که نشانگر رعایت دستور معیار زبان فارسی، از سوی شاعر است. آغازگرهای نشان‌دار، از نوع نشان‌دارتر هستند و با بررسی‌های به عمل آمده، فاعل، پس از فعل ذکر شده است، و نیز، هدف شاعر آن بوده است که با پرهیز از هر گونه قضاوت در روند داستان، تأثیری هر چند ناچیز بر دیدگاه خواننده بگذارد. عطار در خلق این داستان، از ابزارهای انسجام متنی در جهت تصویرسازی و اثر بر سطوح ذهن مخاطب سود فراوان جسته است. با بررسی‌های انجام شده، از میان سه انسجام دستوری، واژگانی-بازآیی و واژگانی-باهم‌آیی، انسجام دستوری با ۳۹۲ مورد، بیشترین ابزار انسجامی به‌کار رفته در متن و انسجام واژگانی-بازآیی با ۳۷۱ مورد، پس از انسجام دستوری قرار گرفته است. در انسجام دستوری، ادات ربط (۳۲۱ مرتبه)، بیشترین بسامد و

مؤلفه جانشینی (۳۰ مرتبه)، کمترین بسامد را در این متن به خود اختصاص داده‌اند. در انسجام بازآیی، عنصر تکرار (۲۴۶ مرتبه)، بیشترین بسامد و شمول معنایی (۷ مورد)، کمترین بسامد و در انسجام واژگانی - باهم‌آیی، باهم‌آیی متداعی (۵۰ مرتبه)، بیشترین بسامد و با هم‌آیی هم‌نشینی (۴ مرتبه)، کمترین بسامد را دارا هستند.

در فرانتش بینافردی، وجه خبری، وجه غالب به کار رفته در متن و مبین آن است که شاعر به بیان رخدادها و آنچه که در ذهن شخصیت‌های داستان اتفاق افتاده، پرداخته است. زمان گذشته، کاربرد فراوانی نسبت به زمان حال دارد و نیز، شاعر در بخش قطیّت، از بندهای مثبت، بیش از بندهای منفی سود جست و این گونه به متن قطعیت و اعتبار بخشیده است.

## منابع

### کتاب‌ها

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: مرکز.
- پالمر، فرانک (۱۳۶۶) نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مرکز.
- تولان، مایکل (۱۳۸۳) درآمدی نقّادانه - زبان‌شناختی بر روایت، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- خلیلی جهان‌تیغ، مریم (۱۳۸۰) سیب جان، تهران: سخن.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن (۱۳۸۵) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷) درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۹) منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸) دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵) درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران: نشر دانشگاهی.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳) به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: آگه.
- هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳) زبان، بافت و متن، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳) *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.

#### مقاله‌ها

اعلایی، مریم (۱۳۸۸) *بررسی فرانش متنی کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)*، عیار، ش ۲۲، صص ۹۲-۱۱۳.

اعلایی، مریم و همکاران (۱۳۸۹) *بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از منظر فرانش بینافردي (رویکرد نقش‌گرا)*، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۷، صص ۲۳۳-۲۱۱.

شیبانی اقدم، اشرف و همکاران (۱۳۹۶) *جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیه‌ها و حدیث‌ها در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی*، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۱۴، صص ۱۴۵-۱۲۳.

صفوی، کوروش (۱۳۸۲) *پژوهشی درباره باهم‌آیی واژگان در زبان فارسی*، متن پژوهی ادبی، شماره ۷۸، صص ۱۳-۱.

کاظمی، فروغ و افراشی، آزیتا (۱۳۹۲) *بررسی انواع آغازگر در متون تخصصی فیزیک، فارسی و انگلیسی*، از منظر فرانش متنی نظریه نقش‌گرای هلیدی، زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۸، صص ۲۰۴-۱۶۷.

محمدیان، امیر و همکاران (۱۳۹۳) *تحلیل جمله‌های بیان‌کننده درد در زبان فارسی با استفاده از مدل هلیدی*، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۰، صص ۱۶۴-۱۴۳.

#### منابع لاتین

Bloor, T & Bloor, M (1997) *The Functional Analysis of English A Halliday Approach*, London: Arnold.

Egins, S (2007) *An Introduction to Function Grammar*, London & New York, Rout ledge.

Fowler, R(1986) *Linguistic Criticism*, Oxford: Oxford University Press.

Halliday, M.A.K (2004) *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.

Halliday, M.A.K & Hassan, R (1976) **Cohesion in English**, London: Longman.

Halliday, M.A.K & Matthisen, C (2004) **An Introduction to Functional Grammar**, Hodder Arnold: Britain.

Thompson, G (2004) **Intr**

## References:

### Books

Aghagolzadeh, Ferdows (2015) **Critical Discourse Analysis**, Tehran: Center.

Palmer, Frank (1987) **A New Look at Semantics**, translated by Cyrus Safavid, Tehran: Center.

Tolan, Michael (2004) **A Critical-Linguistic Introduction to Narrative**, Tehran: Farabi Cinema Foundation.

Khalili Jahantegh, Maryam (2001) **Sib Jan**, Tehran: Sokhan.

Sasani, Farhad (2010) **Meaning and Towards Social Semiotics**, Tehran: Science.

Knight, Jean and Gerberan, Allen (2006) **Culture of Symbols**, translated by Soodabeh Fazaili, Tehran: Jeyhun.

Safavi, Kouros (2008) **An Introduction to Semantics**, Tehran: Surah Mehr.

Attar Neyshabouri, Farid al-Din (2010) **Al-Tair region, Introduction**, correction and comments by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Sokhan.

Farshidvard, Khosrow (2009) **Detailed order today**, Tehran: Sokhan.

Lotfipour Saedi, Kazem (2006) **An Introduction to the Principles and Methods of Translation**, Tehran: University Press.

Mohajer, Mehran and Nabavi, Mohammad (2014) **Towards Linguistics of Poetry**, Tehran: Ad.

Halliday, Michael and Hassan, Roghayeh (2014) **Language, texture and text**, translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Siahrood.

Yarmohammadi, Lotfollah (2004) **Common and Critical Discourse**, Tehran: Hermes.

### Articles

Alaei, Maryam (2009) **A Study of the Textual Role of Textbooks in the Humanities of the Study and Editing Organization (Samat)**, Ayar, Vol. 22, pp. 113-92.

Alaei, Maryam et al. (2010) **Study of meaning exchange in humanities textbooks in the framework of Halliday's systematic grammatical grammar from the perspective of interpersonal role (map-oriented approach)**, Persian Language and Literature Research, No. 17, pp. 233- 211.



Sheibani Aghdam, Ashraf et al. (۲۰۱۷) **Rumi's worldview and the function of verses and hadiths in the first book of Masnavi based on the transient system**, mystical literature and mythology, No. 14, pp. 145-123.

Safavi, Kouros (2003) **A Study on the Coherence of Vocabulary in Persian**, Literary Text Research, No. 78, pp. 13-1.

Kazemi, Forough and Afrashi, Azita (2013) **A study of the types of initiators in specialized texts of physics**, Persian and English, from the perspective of the textual role of Halliday's theory, Linguistics of Al-Zahra University, No. 8, pp. 204-167.

Mohammadian, Amir et al. (2014) **Study and analysis of sentences expressing pain in Persian language using the Halliday model**, Linguistics and Dialects of Khorasan, Ferdowsi University of Mashhad, No. 10, pp. 164-143.

#### Latin References

Bloor, T & Bloor, M (1997) **The Functional Analysis of English A Halliday Approach**, London: Arnold.

Eggs, S (2007) **An Introduction to Function Grammar**, London & New York, Routledge.

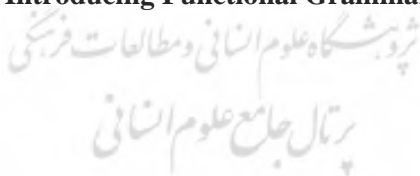
Fowler, R(1986) **Linguistic Criticism**, Oxford: Oxford University Press.

Halliday, M.A.K (2004) **An Introduction to Functional Grammar**, London: Edward Arnold.

Halliday, M.A.K & Hassan, R(1976) **Cohesion in English**, London: Longman.

Halliday, M.A.K & Matthiessen, C (2004) **An Introduction to Functional Grammar**, Hodder Arnold: Britain.

Thompson, G (2004) **Introducing Functional Grammar**, London: Arnold.



yyyyaaaaaaaaakkkkkkkkkkknaaoooooowoo ffooooooaaapaaaahh

Dr. Khadijeh Bahrami Rahnama<sup>1</sup>

### Abstract

One of the viewpoint in linguistic science is systematic functional viewpoint, in which Language is a social tool for meaning transferring. Halliday is the greatest theorists in functional approach. About a role, he considers grammatical and linguistic concepts for analyzing a clause, which has three separate semantic layers (ideational, textural and interpersonal metafunctions) but connected to each other which is named metafunction analyzing different literary text like Mantiq-ut-Tayr. Among all the Mantiq-ut-Tayr's stories, the story of Sheikh San'an is analyzed. This study with using descriptive analysis method has analyzed the problem of different processes, structural and non-structural cohesion and interpersonal metafunction in Sheikh San'an's story. The result of this research stipulates that material process is used more than other processes in ideational metafunction, which indicates the objective and tangible actions used in this story. In textural structure metafunction, simple theme has a higher frequency than multiple theme and most clauses have embedded theme reiterated. Conjunctions in grammar cohesion, repetition element in reiterated lexicon cohesion-associational in collocation lexicon cohesion have the highest frequency in this story. In textual metafunction, declarative mood has a higher frequency than the other moods and most clauses have positive polarity.

**Keywords:** Halliday, Sheikh San'an's, ideational metafunction, textual metafunction, interpersonal metafunction.

<sup>1</sup>.Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yadegar-e-Imam Khomeini (rah) Shahre rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Bahramirahnama@yahoo.com